۳۴

لندن ۵ دسامبر ۱۹۹۷

دوست بسیار عزیزم خانم پروین شکیبا

سلام گرم و پرمهر و شادباش شوق‌آمیز مرا به مناسبت انتشار کتاب «زنان سراینده‌ی معاصر» بپذیرید. شما با دقت و دانش و شکیبائی فراوان کار ارزنده‌ای را انجام داده‌اید که بخشی از تاریخ ادبیات معاصر میهن ماست.

دو روز است کتاب به دستم رسیده و هنوز آنرا چنان که باید نخوانده‌ام. به محض این که وضع مزاجی‌ام بهتر شود البته به دقت خواهم خواند و نظرم را می‌نویسم. در اینجا می‌خواهم از آنچه درباره‌ی ژاله نوشته‌اید، از شما تشکر کنم. کاش کتاب «سرود جنگل» چاپ لندن سال ۱۹۹۲ نیز به دستتان رسیده بود. این دفتر ادامه‌ی «خروش خاموش» است که دو جلد با هم به منزله‌ی دیوان فارسی است از شعرهای ژاله به ترتیب تاریخ سرایش. اگر تاریخ برخی شعرها با چاپ‌های پیشین تفاوت دارد که شما لطفاً متوجه بوده‌اید، به سبب دوری از آرشیو و منابع کار است.

«در سرود جنگل» منظومه‌ای به همین نام و چند داستان منظوم دیگر هست و نیز دو داستان دراماتیک منظوم «گوردها» در «ترنم پرواز» که من این گونه شعر را دوست می‌دارم و ارزنده‌اش می‌دانم، چون به گونه‌ای همکاری با تئاتر و سینماست و از آن جائی که در کار ما زنان شاعر، پیشینه‌ای نداشته، امیدوارم که برای نوقلمان الگوئی باشد. در این مورد می‌خواهم نظرتان را بدانم، اما خیلی مختصر؛

و نیز در اینجا می‌خواهم از سوی «زنان سراینده» که کتاب را به آنها هدیه کرده‌اید و البته از دل ژاله که دوستدار شماست، از شما صمیمانه سپاسگزاری کنم و برای شما دوست مهربان دانشمند پیروزی‌های هرچه بیشتر آرزو کنم.

تندرست و شاد باشید

ژاله

امیدوارم سال نو ۱۹۹۸ بهترین سال برای شما و خانواده‌تان باشد.

لطفاً سلام و شادباش مرا به دوست مشترکمان آقای محمود گودرزی برسانید. سپاسگزارم.